



نقش برجسته و پیکره سازی در ایران

دکتر علی نقی منزوی

قافله سالار سخن خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰ خ، برگه ۲۸۳ - ۲۹۵

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

۱.....	نقش برجسته و پیکره‌سازی در ایران
۱.....	تاریخ هنر در ایران
۱.....	دوران‌های سه‌گانه
۱.....	نخست دوران کهن
۳.....	نقاشی خیالی مانوی
۳.....	نقاشی واقعی
۴.....	مانویان واسطه انتقال هنر تصویر از چین به اروپا
۵.....	دوران دوم
۵.....	برخی از گروه‌های مسلمان گنوسیست
۷.....	خَزَف‌های گبری
۸.....	نقاشی حیوانات زنده در کلیله و دمنه
۸.....	نمونه‌ای از هنر سوزی‌ها
۹.....	تحریم سنی هنر
۹.....	دوران آل‌بویه
۱۰.....	فتوای شیعی، جواز مجسمه‌سازی
۱۱.....	واکنش متقابل
۱۲.....	دوران سوم
۱۲.....	دوران بازگشت هنر به صحنه زندگی ایرانی
۱۳.....	کتاب‌نامه
۱۳.....	نمایه کتاب و مقاله

نقش برجسته و پیکره‌سازی در ایران

دکتر علی‌نقی منزوی

قافله‌سالار سخن خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰ خ، برگه ۲۸۳ - ۲۹۵

تاریخ هنر در ایران

تاریخ هنر در ایران سه دوران متفاوت را از سرگذرانیده است:

دوران‌های سه‌گانه

نخست: سده‌های کهن تا هفتم میلادی که نقاشی مذهبی مانوی و آلبوم‌های حماسی شاهان ساسانی نمودار آن بوده است و پیکره‌ها و تندیس‌ها در کوهستان‌هایی که از دست عرب و مغول به دور مانده، نمونه آن است؛

دوم: شش سده حکومت عرب دوران هنرگشی سلفیان تازی؛

سوم: دوران رستاخیز پس از سقوط خلافت عرب در بغداد به دست مغول‌ها در نیمه قرن ۷ / ۱۳ م که سه مکتب نقاشی پدید آمد:

(۱) مکتب مغولی: بغداد - سلطانیه در قرن ۷ - ۸ هـ؛

(۲) مکتب تیموری: هرات در قرن ۸ - ۹ هـ؛

(۳) مکتب صفوی: تبریز، اصفهان در قرن ۱۰ - ۱۱ هـ.

نخست دوران کهن

نقاشی ایرانیان دوران باستان مبتنی بر تخیل بوده است. اندیشه‌وران پس از اسلام هم چون فارابی و ابن‌سینا نیز نیروی خیال را پایه اتصال بشر به عقل فعال می‌دانستند، چون ایرانیان نیروی تخیل انسان را مانند همه موجودات، متافیزیک، دوقلو (نیکوسرشت و بدسرشت) می‌پنداشتند. به ناگزیر فیلسوف مذهبی آنان مانی (۲۱۶ - ۲۷۲ م) به دو گونه پیغمبر (یزدانی و اهریمنی) معتقد بود. روان آدمی را نیز دوقلو می‌شمرد:

۱- «دل»: که معصوم است و هیچ گاه به خطا نرود و شیطان را بدان راه نیست [وَ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ (قرآن مجید، شماره ۳۴: ۲۱) که عشق و محبت کار اوست؛

۲- «نفس»: روان، اهریمنی و قابل هدایت نیست. از این رو، در قواعد اخلاق ثنوی اصطلاح نفس‌گشی را به کار برند، نه هدایت نفس. بر این اساس اندیشه‌وران زردشتی و مانوی ایران، استدلال‌های عقلی مذهبی خود را بر پایه انالژی *Analogie* تمثیل و تشبیه‌های خیال‌انگیز استوار می‌نمودند. این، همان روشی است که بعد از اسلام (دوران دوم تاریخ هنر ما) مو به مو مورد استفاده گنوسیست‌های مسلمان، صوفی، اسماعیلی و شیعی قرار گرفته است.

اختلاف میان کتاب‌های مانوی کهن و کتاب‌های اسماعیلی تنها در آن است که آثار اسماعیلی مانند اخوان الصفا (قرن ۴ه)، سجستانی (قرن ۴ه) و ناصر خسرو (د: ۴۸۱ق) از ترس دولت سلفی دارای تصویر موجودات زنده نیست؛ زیرا طبق باور سلفیان، نقاشی کردن صورت حیوان به منزله مداخله در کار خداوند است و روز قیامت از نقاش و از نگاهداری‌کننده نقاشی، خواهند خواست که به آن آفریده هنری روان بخشد و الا برای همیشه در آتش خواهند سوخت. با این همه، کتاب‌های اسماعیلیان و گنوسیست‌های دیگر چون طواسین حلاج چنان که نسخه‌ها نشان می‌دهد، از نقاشی صورت‌های هندسی، زمین، آسمان. جهان بالاتر خالی نیست تا آن جا که برخی از دژهای اسماعیلیان الموت به دژ «ارژنگ» معروف بوده است. (نک: تاریخ قلاع الموت).

^۱Z: قرآن، سوره سبأ، شماره ۳۴، آیت ۲۱: وَ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَ رَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ / در صورتی که شیطان بر مردمان تسلطی نداشت (بلکه از حرص دنیا پیرو او شدند. و شیطان را بر این نداشتیم) مگر برای آنکه (به امتحان) آن کس را که به عالم قیامت ایمان آورد از آن کس که شک دارد معلوم گردانیم. و خدای تو بر هر چیز نگهبان و آگاه است.

نقاشی خیالی مانوی

مانویان، در کتاب‌های خویش پا به پای استدلال‌های تمثیلی و تشبیهات مذهبی، صورت خیالی آن‌ها را نیز برای خوانندگان نقاشی می‌کردند. ارژنگ (ارتنگ) مانی در ادبیات فارسی به صورت آلبومی از نقاشی معرفی شده است و کتاب‌های تصویردار را بدان تشبیه می‌کردند.^۱

سنت اگوستین (د: ۴۳۰م) پس از بازگشت از مانی‌گری به مسیحیت، با همه دشمنی‌ای که با مانویان نشان می‌دهد، از هنرهای سحرانگیز ایشان در موسیقی و نقاشی و کتاب‌های ایشان ترجمه لاتین در شمال آفریقا پخش بوده است، یاد می‌کند.^۲ پایه نقاشی مانوی بر زمینه تصورات دوآلیم فلسفی نیک و بد ارواح و پیکرنگاری آن‌ها استوار است. نقاشی کردن ارواح در دوران دوم تاریخ هنر، دوران حکومت عرب از سده ۷ تا ۱۳ م / ۱ تا ۷ نیز با همه تحریم و ممنوعیت و پیگرد دولتی، بازهم نقاشی خیالی ارواح ادامه داشت تا این اواخر نیز کتاب‌هایی مصور در باره عقل و جهل و ارواح نیک و بد و ملائکه و جنیان در هند و ایران چاپ می‌شده است.

نقاشی واقعی

لیکن نقاشی ایران باستان غیر از این هنر فانتزی، برای ساختن مناظر واقعی و ترسیم مجالس تاریخی، حماسی و تفریحی و شبیه صورت بزرگان و قهرمانان ملی و تراشیدن آن‌ها بر روی سنگ‌ها و نگارش در کتاب‌ها نیز به کار می‌رفت، که سنگ تراشیده آن‌ها که از دستبرد عرب و مغول دور مانده است، از زیر خاک بیرون آورده شده و در موزه‌های جهان موجود و عکس‌های آن‌ها در تاریخ‌های ایران باستان چاپ و پخش شده است، نمونه زنده آن‌ها نیز در تخت جمشید، طاق بستان و پاسارگاد بیشاپور^۳ دیده می‌شود به نمونه دست‌نویس آن‌ها نیز در کتب تاریخ اشارت‌ها هست.

^۱ در کتاب بیان الأديان (تألیف: ۴۸۵ق) به نسخه‌ای از ارتنگ مانی در خزانه غزنه اشاره شده است.

^۲ اعترافات اگوستین، ترجمه یوحنا حلو، بیروت، ۱۹۶۳م، برگه ۵۷، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۱۰۸.

^۳ متن مقاله: بازارگاد.

کاهن مانوی در زمان مأمون (۱۹۸ - ۲۱۸ق) صورت انوشیروان را به وی نشان داده است.^۱ بَحتری (۲۰۶ - ۲۸۴ق) تصویرهایی را که بر دیوارهای طاق کسرا نقش شده بود در قصیده‌ای که سرود، گزارش داده است که در دیوان او دیده می‌شود.^۲

مسعودی، علی بن حسین (د: ۳۴۶ق) می‌گوید: به سال ۲۹۸ق، کتابی مانند آلبوم دیدم که ۲۷ تصویر از پادشاهان ساسانی را در برداشت که دو تن از ایشان زن بودند.^۳

مانویان واسطه انتقال هنر تصویر از چین به اروپا

در جنگ‌های سال (۶۰۳ - ۶۲۸م)، که سپاه ایران تا مصر پیش رفت و قسطنطنیه را محاصره کرد و سپس شکست خورده نیروی دو دولت ایران و روم به کلی نابود شده بود، تا حدی که جلو چند هزار عرب را نتوانستند، بگیرند. رومی‌ها به پشت داردانل عقب نشستند و سپاه ایرانیان تا خراسان نابود شد و اسیران ایرانی بسیاری به آسیای صغیر و روم انتقال داده شدند در بین این اسیران، مانویان بسیار بودند.

اینان در دوران اسارت خویش هنر نقاشی و پیکره‌سازی را که از خاور ایران و مرزهای چین آورده بودند، در میان مسیحیان پخش کردند، مسیحیان اروپایی آن را پذیرفتند، ولی مسیحیان شرقی (سریانیان) آن را بت‌پرستی و گناه تشخیص دادند و به شکستن آن‌ها پرداختند و کم‌کم کشاکشی در میان مسیحیان خاوری و باختری پدید آمد.

پس از تشکیل حکومت خلفا در خاورمیانه، سریانیان مسیحی به تقلید از عموزاده‌های عرب خود و برای ارضای بیشتر حکومت خلیفه از اقلیت مسیحی، بشکستن ایقون‌های کلیساهای خود در سوریه و آسیای صغیر پرداختند، پس به سال ۷۸۷م / ۱۷۰ق مجمع مسکونی نیقیه Nighie برای حل این اختلاف داخلی مسیحیان تشکیل گردید. در این مجمع بزرگ یعقوبیان (مسیحیان سریانی شرقی) کوششی بسیار برای تحریم ایقون‌ها انجام دادند، ولی موفق نشدند و مسیحیان اروپایی (که دولت

^۱ دیوان بحتری (۲۰۶ - ۲۸۴ق)، چ بیروت، چ ۱، برگه ۱۶۸ و ۱۶۹. نک: الفهرس الوصفي، طرازی، برگه ۹۵.

^۲ همان جا.

^۳ مروج الذهب، مسعودی؛ صفحات عن ایران، صدق نشأت و مصطفی حجازی، چ قاهره، برگه ۲۷۲ و ۲۷۳.

بیزانس را در دست داشتند) و ملکیان وابسته به ایشان و نیز مسیحیان ایرانی نسطوری پیروز شدند و حکم جواز نقاشی و مجسمه‌سازی را از مجمع یادشده گرفتند.^۱

دوران دوم

تاریخ هنر ما از سده هفتم میلادی، اول هجری تا سده سیزدهم میلادی، هفتم هجری است. هم‌چنان که درباره مسیحیان به دو گروه تقسیم شدند، یعقوبیان سامی نژاد که به ایقون‌شکنی (ایکونولاسم) پرداختند، و مسیحیان اروپایی و نسطوریان ایرانی که به مخالفت با ایشان و دفاع از ایقون و تشویق و ترویج هنر پرداختند. در میان مسلمانان نیز این اختلاف آشکار شد.

الف: مسلمانان خاوری: مردم ساکن خاور دجله تا سند که اسلام را بر زمینه اندیشه گنوسیستی و توحید اشراقی پدران خود پذیرفته بودند هنر موسیقی و نقاشی و پیکره‌سازی را محبوب شمرده موسیقی و سماع را جزو عبادات اسلامی و از طُرق وصول الی الله شمرده در خانقاه‌ها به شطرنج‌بازی و دیگر تمرین‌ها و ورزش‌های هوشی می‌پرداختند.

ب: مسلمانان باختر فرات تا مدیترانه که اسلام را بر زمینه توحید عددی توراتی سامیان پذیرفته بودند، با هر گونه هنر به نظر بدبینانه می‌نگریستند و آن را لهو و لعب می‌نامیدند. چون پیامبر (ص) برخلاف نظر او، در مجلس «سقیفه بنی ساعده» حکومت از خاندان پیامبر سلب شد و به دست مسلمانان باختری افتاد، ایشان خود را اهل سنت و جماعت خوانده، مسلمانان گنوسیست را بیشتر از مردم خاور دجله تا سند بودند، خارج از اسلام سنتی قلمداد کردند و بنای دشمنی و خصومت با هر گونه هنر آنان را آغازیدند.

برخی از گروه‌های مسلمان گنوسیست

معروف‌ترین گنوسیست‌هایی که اسلام را بر زمینه توحید تنزیهی (اشراقی) پذیرفته بودند، مُرجیان، قَدْریان، جهمیان، معتزلیان، راوندیان شیعی بودند که همه در دو قرن آغازین پدید آمدند و تحت پیگرد دولت نابود می‌شدند و سپس به نام دیگر و با پذیرفتن مقداری از خشونت تسنن عربی ترک مقداری از اندیشه‌های گنوسیستی به صورتی نو ظاهر می‌شدند، مثلاً

^۱ مجموعه اسناد کلیسا، چ پاریس، ۱۹۶۱م، برگه ۳۱۱ به بعد و نیز نک: تاریخ صنایع ایران، ترجمه محمدعلی خلیلی، برگه ۸۷.

«مُرجیان» پس از آن که در سال‌های ۱۱۸ - ۱۲۸ق با دولت اموی جنگیدند و شکست خوردند، به صورت «قَدَری» و پس از ایشان به صورت معتزلی آشکار شدند. همراه با محکوم شدن معتزلی اندیشه‌های اسلام گنوسیستی خاوری (هندوایرانی) همه گونه هنرهای یاد شده در بالا به دون آن که در قرآن کریم از آن منع شده باشد از طرف خلیفگان و حاکمان ایشان که بر سلفیان خشن مذهب غرب فرات تا مدیترانه مُتکی بودند، تحریم گردید.

از اواسط حکومت بنی‌امیه که خلفا تا حدی با تمدن ایرانی و رومی آشنا شدند استفاده از هنر لذات روحی آن و حتی لذت‌های جسمی و نامشروع آن را برای خود در کاخ‌های دربار خلیفه مجاز شمردند؛ لیکن برای توده مردم، تحریم اولیه را که خلفای سلف برقرار کرده و مردم را از آن نعمت الهی محروم کرده بودند، ادامه دادند.

فرقه‌های مسلمان گنوسیست که نام برخی از ایشان در بالا یاد شده در برابر، این تحریم هنر و مبارزه با زیبایی، مقاومت می‌کردند و استفاده از موزیک در عبادت و سماع و تمرین و ورزش عقلی شطرنج در خانقاه‌ها، و هم‌چنین استفاده از تصویر در تشبیه مقدسان و امامان خویش را، مثل اختلافات عقیدتی دیگر که با سُنّیان حاکم داشتند، از ترس حکام عرب پنهان می‌کردند، با این همه تصویر مقدس ایشان مانند قبر امام حسین (ع) آویخته می‌شد موجب غضب خلیفگانی چون متوکل عباسی گردید که به تخریب آن مزار مقدس به سال ۲۳۶ق منجر شد (طبری و ابن‌اثیر در آن سال) کشی (د: ۳۲۸ق) در کتاب رجال خود، که یکی از پنج اصل رجالی شیعه به شمار است در باره محمد بن بشیر از یاران امام رضا (ع) و مؤلف کتاب نوادر (ذریعه ۲۴: ۳۳۸) چنین می‌گوید:

او با پارچه دارورده‌ای که هوا را در خود نگاه می‌داشت مجسمه‌ای برای امام ساخت که چون آن را از باد پُر می‌کرد به شکل امام (ع) بود و خلیفه (گویا هارون الرشید) او را به همین دلیل با انواع شکنجه بکشت^۱.

^۱ رجال کشی در ضمن کتاب رجال قهپایی، ج ۵، برگه ۱۶۶ - ۱۶۷.

خَرَف‌های گبری

خزف و سفال‌های دارای تصویر حیوان (چرنده؛ یا پرنده) و مجلس سماع رقص عرفانی کار سده‌های نخستین اسلام که روش ساسانی در آن به کار رفته است، بازرگانان آثار باستانی «خزف گبری» نامیده‌اند؛ زیرا تصور می‌کنند تنها کسانی که به مذهب گبری (میترایست‌ها) باقی مانده بودند، می‌توانستند به این هنر حرام دست یازند^۱؛ لیکن با توجه به این که:

- **اولاً:** در سده‌های پیش از چهارم که هنوز اسلام در شکل امروزی تثبیت نشده بود، حکام عرب و محتسبان محلی ایشان آگاهی درست از تابوهایی که بعداً قاطعیت یافت، نداشتند و زیاد پایبند مردم نبودند که هنر ساسانی را تا اندازه‌ای پیاده کند؛

- **ثانیاً:** گنوسیست‌های مسلمان تا سده‌های پنجم و ششم نیز تحریم هنر را که از سوی حکام سُنی با زور تحمیل می‌شد، نپذیرفته بودند و چنان که نباید بر جایز بودنش، فتوا می‌دادند. کشف نمونه‌هایی از این نقاشی‌ها با در برداشتن خط کوفی نشان می‌دهد^۲ که سازندگان نه گبر؛ بلکه گنوسیست مسلمان بوده‌اند؛ برخی از این خزف‌ها کار سده سوم در ری است، گنوسیست‌ها به رهبری احمد حسن ماذرانی بود^۳.

^۱ التصوير في الاسلام عند الفرس، زکی محمد حسن، قاهره، ۱۹۳۶م؛ برگردان به پارسی: تاریخ نقاشی در ایران، ابوالقاسم سحاب، انتشارات سحاب کتاب، تهران، ۱۳۲۸خ؛ تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، دکتر زکی. همان کتاب، ترجمه محمدعلی خلیلی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۳خ، برگه ۱۹۲ - ۱۹۹.

^۲ دکتر زکی. همان کتاب، ترجمه خلیلی، برگه ۱۹۳ - ۲۰۱.

^۳ یاقوت معجم البلدان، واژه: ری.

هم‌چنین نک: الف) احمد بن حسن مادرانی، علی کوشا (دکتر علینقی منزوی ۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله چیستا، سال چهارم، شماره ۹، اردیبهشت ۱۳۶۶، شماره ردیف ۳۹، برگه ۶۸۲ - ۶۸۴.

ب) دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، جلد نهم، حرف الف: ابوهریره - احمد حنبل، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۵۷خ، برگه ۱۲۳۲ - ۱۲۳۳، احمد بن حسن بن حسن مادرانی، علینقی منزوی.

نقاشی حیوانات زنده در کلیله و دمنه

با همه مخالفت سنیان و سخت‌گیری‌های حکومت، باز ابن‌مقفع (ک: ۱۴۳ق) را می‌بینیم که در پیشگفتار کلیله و دمنه که از پهلوی به عربی برگردانید، از تصویر حیواناتی که در آن کتاب بوده است، گفتگو می‌دارد. نصر بن احمد ساسانی در سال ۳۰۱ق دستور می‌دهد که برای ترجمه فارسی کلیله و دمنه تصویرهایی مناسب نقش کنند.^۱

آری به گفته دکتر زکی: ایران در رأس همه کشورهای مسلمان قرار دارد که تحریم هنر نقاشی در دوران دوم در آن تأثیری چندان نداشته است.^۲

سنیان حاکم، خشونت ضد هنری را از پدران خود به ارث برده بودند و برخلاف واقع آن را به نام مقدس اسلام بسته، بر سر مردم مسلمان گنوسیست ایرانی و هنر دوست ایرانی می‌کوبیدند. هنرگشی و کتاب‌سوزی ایشان در سده نخست بسنده نشد، که صفحات تاریخ از هنرگشی و کتاب‌سوزی‌های ایشان سیاه است.

نمونه‌ای از هنر سوزی‌ها

برای نمونه می‌توان از ابن جوزی در حوادث سال ۳۱۱ و ۳۹۸ و ۴۴۸ق و چند جای معجم الأدبای یاقوت حموی از جمله ج ۲، ۳۱۵؛ ج ۶، ۲۵۹ و مجمل التواریخ، برگه ۴۰۳ - ۴۰۴ و الافاده و الاعتبار از بغدادی ۲۸ و قفطی و لسان المیزان، ج ۵، ۳۵۴ - ۳۵۶ و شرح شطحیات روزبهان، برگه ۴۵۵ و مقدمه کشف الظنون یاد کرد.

ابن جوزی در منتظم رویدادهای سال ۳۱۱ق گوید: چهار عدد کتاب با تصویر و نقاشی‌های زرین را در جامع بغداد به آتش کشیدند. آن قدر در نقاشی‌ها طلا به کار رفته بود که مقداری طلا به زیر خاکستر کتاب‌ها بر زمین نشسته بود.

ابوالفضل بیهقی گوید: چون سلطان محمود غزنوی متوفی ۴۲۱ق شنید که پسرش مسعود دیوارهای اطاق خود را به نقش و نگار آراسته است، کسی را برای تجسس بفرستاد، ولی عمه مسعود او را آگاه کرد تا پیش از رسیدن مأمور همه نقاش‌ها

^۱ کتاب، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، زکی محمد حسن، ترجمه خلیلی، برگه ۸۴.

^۲ همان جا، برگه ۸۱.

را نابود کردند^۱. این رفتار محمود دنباله رفتار متوکل در ویران کردن آثار هنری قبر امام حسین (ع) و نابود کردن راضی خلیفه آثار شلمغانی پس از کشتن او و شاگرد منجم و دانشمندش ابن ابی عون به سال ۳۲۲ ق بود و دنباله آن تا سده پنجم هم چنان ادامه داشت.

تحریم سنی هنر

همه علما و مفسران سنی در همه تفسیرهای قرآن آیت: *إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ ...* قرآن کریم مائده ۵: ۲۹۳ را دلیل حرام بودن مجسمه‌سازی می‌دانستند؛ زیرا که انصاب جمع نصب به معنی مجسمه است^۲، سپس ایشان حدیث‌هایی در تفسیر آن می‌آوردند که حتی نقش کردن هر حیوان جاندار بر سطح دو بعدی را نیز تحریم می‌کرد؛ زیرا خدا در قیامت از نقش‌کننده خواهد خواست که این آفریده هنری خود جان بدهد؛ یا تا ابد در جهنم بسوزد؛ لیکن مفسران شیعی مانند شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ) در تفسیر بزرگ تبیان، ج ۴، ۱۸ چ نجف و همه مفسران شیعه دیگر «نصب» را ویژه مجسمه بت می‌دانند که برای پرستش ساخته باشند نه برای مجسمه هنری.

دوران آل بویه

گرچه با گذشت زمان، عقاید خشک سلفی به کمک زور حکومت بر مغز مردم ایران تحمیل می‌شد و میدان هنر تنگ و تنگ‌تر می‌گردید، ولی یک باره هنر نمرد، چنان که در ری در سده چهارم هجری بودلف شاعر صاحب بن عباد وزیر آل بویه در

^۱ تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، برگه ۱۲۱.

^۲ قرآن، سوره مائده، شماره ۵، آیت ۹۰: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ* / ای اهل ایمان، شراب و قمار و بت‌پرستی و تیرهای گروندی همه اینها پلید و از عمل شیطان است، از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید.

^۳ تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، دکتر زکی، ترجمه خلیلی، برگه ۷۸.

قصیده ساسانیه از یک قالب چوبین سخن می‌گوید^۱ به نام «طرس» که غلات و صوفیان و دیگر گنوسیست‌های مسلمان ایرانی بر روی آن نقش‌ها و تصویر و دعاها کنده، بر روی اوراق و پارچه «باسمه» می‌نمودند و می‌فروختند؛ البته سراینده این قصیده به تقلید سنیان این هنر را شاید کهن‌ترین نمونه چاپ در ایران پس از اسلام باشد، نکوهش می‌کند.

همین بودلف در سفرنامه چین که بخش‌هایی از آن مینورسکی در لندن و بولخاکف در مسکو ۱۹۶۰ چاپ کردند. از هنرهای ایرانی مانویان نیز یاد می‌کند.

فتوای شیعی، جواز مجسمه‌سازی

شیعیان تا سده پنجم و ششم به پیروی از گذشتگان (غلات) پیکرتراشی و مجسمه‌سازی را مجاز می‌شمردند. شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) محمد بن حسن که جشن هزاره او در مشهد ۱۳۴۸ خ برگزار شد، مجسمه‌سازی را مباح می‌شمرد. او در تفسیر آیت مبارک بقره ۲: ۵۱ می‌گوید^۲: مجسمه‌سازی حرام نیست و حدیث لعن بر مصوران به معنی کسانی است که خدا را به مردم همانند می‌شمردند.

شیخ طبرسی (د: ۵۴۸) در مجمع البیان نیز همین فتوا را دارد؛ لیکن کم‌کم در زیر فشار قشریان وابسته به دربار خلافت عرب در بغداد، که بر اقوام خشن مذهب ساکن منطقه باختری فرات تا مدیترانه متکی بودند و برای همگامی با کثرت اسلام سنی و به امید دورنمای در باغ سبز «پان‌اسلامیزم» هنرها را یکی پس از دیگری تحریم کردند، نه تنها مجسمه سه بعدی؛ بلکه تصویر دو بعدی آدمی نیز، حرام شناخته شد. تا آن جا که هنرمند ایرانی که می‌خواست مجسمه زمینی بسازد، ناگزیر بود تا تنه آن را به شکل حیوانی، دست؛ یا بال و پای آن را به شکل حیوان‌هایی دیگر بسازد تا با دورشدن از شکل طبیعی آن بتواند

^۱ بودلف (د: ۳۹۰ ق) ایرانی نیمه‌گنوسیست مسلمان در سده چهارم هجری است ولی برای جلب شرافت بیشتر خود را به یمن (ارض موعود گنوسیست‌های ایرانی) منسوب می‌دارد. سفرنامه بودلف که با همه سودمندی، دورغ‌های شاخدار نیز در بردارد به کوشش مینورسکی و ترجمه ابوالفضل طباطبایی در (تهران، ۱۳۵۴، ۱۹۲ برگه) چاپ شده است. «ساسانیه»ی بودلف پاسخی مسخره‌آمیز به «ساسانیه»ی احنف عکبری (د: ۳۸۵ ق) است که برخلاف ابن‌عباد (۳۲۶ - ۳۸۵) از ساسانیان دفاع می‌کرد.

^۲ Z: قرآن، سوره بقره، شماره ۲، آیت ۵۱: وَ إِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَزْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ / و (یاد آورید) موقعی که با موسی چهل شب وعده نهادیم، پس شما (در غیبت او) گوساله پرستی اختیار کرده ستمکار و بیدادگر شدید.

در زندگی، پاسخگوی محتسب خلیفه و پس از مردن پاسخگوی نکیر و مُنکر باشد. ما نمونه این گونه ترکیب‌ها را در یک «گندرسوز» خراسانی مورخ ۵۶۰ ق^۱-۱۵ و یک ابریق کاشانی مؤرخ ۵۶۲ ق^۲ و ده‌ها مانند آن‌ها می‌بینیم. برای بررسی گوشه‌ای از فشار حکام سلفی بر مردم ایران جهت تحریم هنر می‌توان کتاب نقض نگارش عبدالجلیل رازی قزوینی را بررسی کرد^۳ که در یک مناظره مذهبی سنی به شیعی اعتراض می‌کند که شما شیعیان از شعر و نقاشی اجتناب نمی‌کنید!

ثعالبی نیز در بیتیمه الدهر نقاشی را جزو صفات ذمیمه و غیر شرعی شیعه برشمرده است.

واکنش متقابل

در کشاکش میان سنیان حاکم ضد هنر و محکومان گنوسیست در مدت شش قرن و نیم حکومت خلیفگان بغداد، تأثیر متقابل، برقرار می‌بود، حاکمان عرب اندیشه گنوسیسم را از محکومان ایرانی می‌آموختند و محکومان به قشرگرایی خو می‌گرفتند.

چنان که غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق) می‌گوید: سنیان در سده اول اسلام، فرش کردن مسجد را، حتی به بوریا به دلیل زینت‌بودن و خواندن قرآن را به آواز خوش به دلیل هنر بودن، لهو و لعب و حرام می‌شمردند و هنگامی که حجاج یوسف والی خلیفه عرب که عمرش را در عراق در میان ایرانیان گذرانید این بدعت را پذیرفت^۴، شاید در اثر همین هم‌رنگ‌شدن متأخران شیعه با سنیان و قبول تحریم باشد که دکتر زکی، محمد حسن مصری اختلاف قدیم این دو فرقه را در هنر نیز منکر شده

^۱ تاریخ هنر، نوشته اچ. دبلیو، ترجمه پرویز مرزبان (۱۲۹۶ - ۱۳۹۲ خ)، چ تهران ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ خ، برگه ۲۰۵.

^۲ الفنون الإيرانية في العصر الإسلامي، دکتر زکی محمد حسن، قاهره، ۱۳۱۹ خ / ۱۹۴۰ م؛ برگردان به پارسی: تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، دکتر زکی محمد حسن، ترجمه محمد علی خلیلی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۳ خ، برگه ۲۱۳.

^۳ نقض، عبدالجلیل رازی قزوینی، چ محدث، انجمن آثار ملی، تهران، ۵۷۶ - ۵۸۰.

^۴ احیاء علوم الدین، امام غزالی ابوالمحمّد محمد فرزند محمد (۴۵۰ - ۵۰۵ ق)، چ بولاق ۱۲۸۹ هـ ج ۱، ۶۱؛ ترجمه خوارزمی، ج ۱، ۲۳۴.

می‌گوید: این ادعا که تشیع قائل به حرام‌بودن هنر نقاشی نیست، صحت ندارد^۱، ولی ما دیدیم که نظریه تحریم هنر را شیعیان متأخر برخلاف نظر اسلاف خود اندک‌اندک از سنیان واگرفته‌اند و نظر اصلی ایشان نبوده است.

دوران سوم

دوران بازگشت هنر به صحنه زندگی ایرانی

تا آن جا که اطلاع داریم کهن‌ترین نسخه دست‌نویس تصویردار اسلامی از مقامات حریری نگارش قاسم پسر علی از مردم بصره (۴۴۶ - ۵۱۶ق) است. که نسخه مؤرخ ۶۱۶ق از آن در کتابخانه ملی پاریس و نسخه دیگر مؤرخ ۶۵۴ق در کتابخانه بریتیش میوزیم با ۸۱ تصویر نگاه‌داری می‌شود.

این دو نسخه در روزگار تزلزل دستگاه ستم‌پیشه خلافت جور عباسی نوشته شد و پس از آن که این دستگاه با راهنمایی خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق) برافتاد و شلاق از دست محتسبان قشری و ضد هنر گرفته شد، هنر ایرانی رو به گسترش نهاد و مکتب‌های معروف هنری پدید آمد که امروز به نام مکتب مغولی بغداد و تبریز شناخته می‌شود.

هم اکنون یک نسخه از جامع التواریخ رشیدی در نیویورک وجود دارد. که در ۷۰۷ و ۷۱۴ و ۷۱۶ و ۷۲۶ق نوشته شده است و ۸۰ لوحه نقاشی مینیاتور آن در میان موزه‌های ادنبرک و لندن و نیویورک تقسیم شده است و یک سده بعد از آن مکتب تیموری هرات و سپس مکتب صفوی تبریز و قزوین و سپس اصفهان رشد کرد؛ لیکن متأسفانه قیام سال ۱۰۰۲ق شاه عباس که مکاتب فلسفی قزوین را پراکنده کرد و پایتخت را از قزوین به اصفهان آورد، دولت ایران را در مسابقه قشرگرایی و ریا و سالوس با سنیان عثمانی قرار داد، چنان در این مسابقه تند رفت که دست حبلیان را در تقشُّر بر پشت بیست. از این به بعد هنر و ادب در ایران رو به تنزل نهاد و این وضع تا دوره تماس با غرب و رنسانس ایران ادامه داشت.

در سده سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی هنرمندانی چون حسن افشار (لال) و لطفعلی خان نقاش در تهران، خاندان وصال در شیراز و نجف و اصفهان پدید آوردند تا آن که اخیراً به دست کمال‌الملک و حسین بهزاد (درگذشت ۱۳۴۷خ / ۱۹۶۷م) هنر نقاشی ایران به مرحله نوین خود گام نهاد.

^۱ تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، دکتر زکی. ترجمه خلیلی، چ ۱۳۶۳خ، برگه ۷۹.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

احمد بن حسن مادرانی، علی کوشا (دکتر علی نقی منزوی ۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله چیستا، سال چهارم، شماره ۹، اردیبهشت ۱۳۶۶، شماره ردیف ۳۹، برگه ۶۸۲-۶۸۴.

احیاء علوم الدین، امام غزالی ابوالمحمّد محمد فرزند محمد (۴۵۰-۵۰۵ق)، چ بولاق ۱۲۸۹ق؛ إحياء العلوم الدین، امام محمد غزالی (د: ۵۰۵ق)، برگردان مؤیدالدین محمد خوارزمی به سال ۶۲۰ق، تصحیح حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱خ.

إختیار معرفة الرجال، رجال کشی؛ یا معرفة الثاقلین، محمد فرزند عمر کشی (د: ۳۴۰ق)، تصحیح و تحقیق حسن مصطفوی، مقدمه‌نگاری محمد واعظزاده خراسانی دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، مشهد، ۱۳۴۸خ؛ دیگر: تحقیق و تصحیح محمدتقی فاضل میبیدی و ابوالفضل موسویان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲خ.

اعترافات اگوستین، ترجمه یوحنا حلو، بیروت، ۱۹۶۳م.

الافادة والاعتبار في الامور المشاهدة والحوادث المعاینة بارض مصر، ابن لباد، موفق‌الدین عبداللطیف فرزند یوسف فرزند محمد فرزند علی بغدادی (۵۵۷-۶۲۹ق / ۱۱۶۲-۱۲۳۱م)، لندن، ۱۹۶۴؛ پژوهش علی محسن عیسی مال‌الله، المورد، ۱۹۸۴.

آثار البلاد، زکریا قزوینی، بیروت، ۱۴۰۴ق.

بیان الأدیان، ابوالمعالی محمد فرزند نعمت فرزند عبیدالله بلخی (د: پس از ۴۸۵ق)، به کوشش شارل شفر، ۱۸۸۳، سپس عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۲خ.

- تاریخ الحكماء، إخبار العلماء به أخبار الحكماء قفطی، جمال‌الدین علی فرزند یوسف فرزند ابراهیم شبیبانی (۵۶۸ - ۶۴۶ ق / ۱۱۷۲ - ۱۲۴۸ م)، برگردان محمد فرزند علی فرزند محمد خطیبی روزنی (۱۰۹۹ ق) به دستور شاه سلیمان صفوی، به کوشش بهین دارایی، تهران، ۱۳۴۷ خ.
- تاریخ الرسل و الأمم و الملوك، تاریخ الأمم و الملوك، تاریخ الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری آملی مازندرانی، جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ ق / ۸۳۹ - ۹۲۳ م)، برگردان ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۵ جلد ۱۳۵۲ خ؛ چاپ دیگر: ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۶ جلد، ۱۳۵۳ خ؛ چاپ سوم، ۱۶ جلد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ خ.
- تاریخ بیهقی، تاریخ مسعودی، ابوالفضل محمد فرزند حسین بیهقی (۳۸۵ - ۴۷۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۷۷ م)، تصحیح علی اکبر فیاض، مقدمه محمدجعفر یاحقی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ سوم ۱۳۷۵ خ.
- تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد فرزند حسن (تألیف ۶۱۳ ق) + اولیاءالله آملی (تألیف ۷۶۰ ق)، تصحیح و مقدمه‌نگاری عباس اقبال (۱۲۷۵ - ۱۳۳۴ خ دو جلد، تهران، ۱۳۲۰ خ.
- تاریخ قلاع الموت
- تاریخ هنر، نوشته اچ. دلبیو، ترجمه پرویز مرزبان (۱۲۹۶ - ۱۳۹۲ خ)، چ تهران ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ خ، برگه ۲۰۵.
- تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، زکی محمد حسن، ترجمه محمدعلی خلیلی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۳ خ.
- التبیین فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی محمد فرزند حسن (۳۸۵ - ۴۶۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۶۸ م)، به کوشش علی آقا شیرازی و عبدالرسول روغنی‌زاده اصفهانی، چاپ سنگی، ۱۳۶۵ ق؛ تصحیح احمد شوقی و احمد حبیب قصیر، مقدمه آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، داراحیاء التراث العربی، قم، ۱۴۰۹ ق.
- التصویر فی الاسلام عند الفرس، زکی محمد حسن، قاهره، ۱۹۳۶ م؛ برگردان به پارس‌ی: تاریخ نقاشی در ایران، ابوالقاسم سحاب، انتشارات سحاب کتاب، تهران، ۱۳۲۸ خ.
- جامع التواریخ رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ - ۷۱۸ ق)، نسخه خطی، کتابخانه نیویورک، تاریخ رونویسی ۷۰۷ و ۷۱۴ و ۷۱۶ و ۷۲۶ ق، ۸۰ لوحه نقاشی مینیاتور آن در میان موزه‌های ادنبرک و لندن و نیویورک.

- جامع التواریخ رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵-۷۱۸ق)، تصحیح بهمن کریمی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۸خ؛ چاپ دیگر: انتشارات البرز، ۱۳۷۳خ.
- دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، جلد نهم، حرف الف: ابوهریره - احمد حنبل، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۵۷خ، برگه ۱۲۳۲-۱۲۳۳، احمد بن حسن بن حسن مادرانی، علی نقی منزوی.
- دیوان بحتری، بُحْتَری، ابوعباده ولید فرزند عُبَید(الله) چاپ مصر، ۱۹۱۱م؛ دیوان بحتری (۲۰۶-۲۸۴ق)، چ بیروت.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع و العشرون، نائیه - نیه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۶خ / ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م.
- رجال قهپایی؛ مجمع الرجال، عنایت‌الله قهپایی (ز: ۱۰۱۱ق)، ناشر اسماعیلیان، قم ۱۳۶۴خ.
- رجال کشی در ضمن کتاب رجال قهپایی، ج ۵، برگه ۱۶۶-۱۶۷.
- سفرنامه ابودلف مسعر فرزند مهلهل خزر جی (ز: ۳۴۱ق)، تحقیق و تعلیق ولادمیر مینورسکی، لندن و بولخاکف در مسکو، ۱۹۶۰؛ برگردان ابوالفضل طباطبایی، انتشارات زورا، تهران، ۱۳۵۴خ.
- سفرنامه ابودلف مسعر فرزند مهلهل خزر جی (ز: ۳۴۱ق)، تحقیق و تعلیق ولادمیر مینورسکی و چاپ در لندن و بلخاکف در مسکو، ۱۹۶۰؛ برگردان ابوالفضل طباطبایی، انتشارات زورا، تهران، ۱۳۵۴خ، ۱۹۲ برگه.
- سیری در تاریخ هنر نقاشی پیکره‌سازی در ایران، دکتر علی نقی منزوی، مجله ایران مهر، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، برگه ۲۲-۲۶.
- شرح احوال و آثار و مجموعه اشعار به دست آمده شیخ شطاح روزبهان فسایی، زوبهان بقلی فرزند ابونصر (۵۲۲-۶۰۶ق)، غلامعلی آریا، انتشارات روزبهان، تهران، ۱۳۶۳خ.
- شرح شطحیات، شیخ شطاح روزبهان بقلی فرزند ابونصر (۵۲۲-۶۰۶ق)، تصحیح هانری کوربن، تهران، ۱۳۴۴خ.
- صفحات عن ایران، صدق نشأت و مصطفی حجازی، چ قاهره.
- طواسین حلاج، مجموعه آثار حلاج (طواسین، کتاب روایت، تفسیر قرآن، کتاب کلمات، تجریات عرفانی و اشعار)، حسین فرزند منصور حلاج، یادآوران، تران، ۱۳۷۹خ؛ دیگر: انتشارات شفیعی، تهران، ۱۳۸۶خ.

- فدائیان اسماعیلیه، لويس برنارد، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۴۸ خ.
- الفنون الإيرانية في العصر الاسلامي، زکی محمد حسن، قاهره، ۱۳۱۹ خ / ۱۹۴۰ م.
- الفهرس الوصفي للمخطوطات الفارسية المزينة بالصور بدار المكتب المصرية، نصرالله طرازی، ج. دارالکتب قاهره ۱۹۶۸ م در ۱۹۰ برگه، ۸۰ لوحه.
- الفهرس الوصفي للمخطوطات الفارسية المزينة. نصرالله مبشر فرزند محمدخان طرازی (۱۹۲۲ - ۲۰۰۲ م).
- قرآن
قصیده ساسانیه، احنف عکبری (د: ۳۸۵ ق)
- قصیده ساسانیه، بُحتری
قلعه الموت زندگی و زمانه حسن صباح، ولادیمیر بارتول، نشر نوید صبح.
- الکامل في التاريخ، عزالدین أبوالحسن علی فرزند ابوالکرم ابن‌أثیر (۵۵۵ - ۶۳۰ ق)، سیزده جلد، بیروت، دارصادر، دار بیروت، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
- کتاب النقض، معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، عبدالجلیل فرزند ابوالحسین فرزند ابوالفضل قزوینی رازی (ز: ۵۶۰ ق)، تصحیح، تعلیق، مقدمه‌نگاری سید جلال‌الدین حسینی محدث ارموی، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۷۱ ق / ۱۳۳۱ خ؛ چاپ دیگر، تصحیح محدث ارموی، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۸ خ.
- الکشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه مصطفی فرزند عبدالله کاتب چلبی (۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ ق)، پژوهش محمد شرف‌الدین یالتقا و معلم رفعت بیلگه کلیسی، استانبول، ترکیه، ۱۹۴۱ م / ۱۳۶۰ ق.
- کلیله و دمنه، ابومحمد عبدالله ابن‌مقفع، روزبه پور دادویه، شهید این‌مُقَفَّع (۱۰۴ - ۱۴۲ ق) از پهلوی به عربی گردانید.
- لسان المیزان، ابوالفضل احمد فرزند علی فرزند محمد فرزند احمد فرزند حجر عسقلانی (د: ۸۵۲ ق)، تصحیح دائرة المعارف النظامية، هند، ۱۳۳۱ ق؛ چاپ دیگر: مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۱ م.
- مجله ایران‌مهر، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، برگه ۲۲ - ۲۶، سیری در تاریخ هنر نقاشی پیکره‌سازی در ایران، دکتر علی‌نقی منزوی.

- مجمعُ البیان فی تفسیر القرآن، امین الاسلام فضل فرزند حسن فرزند فضل طبرسی (۴۶۸ - ۵۴۸ق)، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، ۱۳۳۸خ؛ بیروت، داراحیاء التراث، ۱۳۷۹ق؛ ترجمه فارسی، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۵۰خ.
- مجمل التواریخ و القصص، نویسنده ناشناس (ز: ۵۲۰ق)، تصحیح محمدتقی بهار، تهران، ۱۳۱۸ش؛ دیگر: باویراستاری علی اصغر عبدالهی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۳خ.
- مجموعه اسناد کلیسا، چ پاریس، ۱۹۶۱م.
- مروج الذهب و معادن الجواهر، علی فرزندحسین مسعودی (د: ۳۴۶ق / ۹۵۷م)، تحقیق شار پلا. چاپ پاریس، افسس تهران؛ چاپ دارالاندلس للطباعة و النشر، بیروت، چاپ دهم ۱۹۶۶م.
- معجم الأدباء؛ یا إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، یاقوت حموی، دیوید سموئل مارگلیوت لیدن، ۱۹۰۷م؛ قاهره ۱۹۰۹م؛ برگردان عبدالحمید آیتی، تهران، ۱۳۹۱خ / ۲۰۱۲م.
- معجم الأدباء؛ یا إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، یاقوت حموی، دیوید سموئل مارگلیوت لیدن، ۱۹۰۷م؛ قاهره ۱۹۰۹م؛ برگردان عبدالحمید آیتی، تهران، ۱۳۹۱خ / ۲۰۱۲م.
- معجم البلدان، یاقوت حموی (۵۷۴ - ۶۲۶) شهاب‌الدین ابوعبدالله فرزند عبدالله رومی، چاپ لایپزیک (۱۸۷۳-۱۸۶۶م) افسس تهران، ۱۹۶۵م، برگردان به پرسی دکتر علی‌نقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پرسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳خ به چاپ رسانید و امید به چاپ دیگر جلدهای ترجمه شده آن.
- مقامات حریری، قاسم فرزند علی از مردم بصره (۴۴۶ - ۵۱۶ق)، نسخه مؤرخ ۶۱۶ق، کتابخانه ملی پاریس.
- مقامات حریری، قاسم فرزند علی از مردم بصره (۴۴۶ - ۵۱۶ق)، نسخه مؤرخ ۶۵۴ق، کتابخانه بریتیش میوزیم با ۸۱ تصویر نگاه‌داری می‌شود.
- المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، ابوالفرج ابن جوزی، عبدالرحمان فرزند علی (۵۱۰ - ۵۹۷ق)، تصحیح و پژوهش نعیم زرزور، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.

نقش برجسته و پیکره‌سازی در ایران

۱۸

النقض، معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، عبدالجلیل فرزند ابوالحسین فرزند ابوالفضل قزوینی رازی (ز: ۵۶۰ق)، تصحیح، تعلیق، مقدمه‌نگاری سید جلال‌الدین حسینی محدث ارموی، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۷۱ق / ۱۳۳۱خ؛ چاپ دیگر، تصحیح محدث ارموی، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۸خ.
 نوادر، محمد فرزند بشیر از یاران امام رضا (ع). نک: ذریعه، ج ۲۴، ۳۳۸، شماره ۱۷۹۱.
 یتیمه الدهر، ابومنصور عبدالملک فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری ثعالبی (۳۵۰ - ۴۲۹ق / ۹۶۱ - ۱۰۳۸م)، تصحیح محمد اسماعیل صاوی، قاهره، ۱۳۵۲ق / ۱۹۳۴م.

دکتر علی نقی نیشابوری